

شرکت دارا بودن زمین است. در وهله نخست، قشر عظیمی از روستائیان اعم از خوش تشینان و کارگران کشاورزی از صحنه حذف شده و قشر مرفه صاحب سهام گردیده و از امکانات دولتی بهره‌مند می‌گردند، مضاف بر اینکه دهقانانی که صاحب زمین اند اندک بوده و اجازه عضویت در شرکت را می‌یابند عملاً در برابر صاحبان عمده زمین خلع سلاح شده و تنها به عنوان نیروهای کار از آنان استفاده می‌گردد.

از سوی دیگر عضویت مالکین سابق در شرکت‌ها سبب گردید تا سود سهام سالانه بدون حضور آنان در روستا به آنان تعلق گیرد و بار دیگر مالکیت غایب در روستاها تجلی نماید.

همچنین در این شرکت‌ها، اجازه فعالیت دامداری به سهامداران داده نمی‌شد که بدین شکل اسباب، نابودی دامداری نیز فراهم می‌گردید.

اعطای اجازه کشت محصولات پرسود همچون زعفران و خشخاش به این شرکت‌ها، سبب ازدیاد درآمدکاذب آنان گردید درحالی‌که درصدد رفع نیازهای اصلی نبودند.

این شرکت‌ها در حقیقت در پی تصفیه اقتصادی روستاها و حذف افشار فقیر و تخصیص امکانات به قشر مرفه روستائی بودند.

ب - تأسیس خانه‌های فرهنگ روستائی و اعزام سپاه دانش به روستا:

همزمان با اصلاحات ارضی رفرمیستی و سیاست نارضائی زدائی، رژیم به مانورهای تبلیغی و ایجاد پایگاه فرهنگی نیز نیاز داشت. لذا دستیابی به چنین هدفی، رژیم را به سرمایه‌گذاری در این حوزه وادار می‌ساخت که این مهم با توجه به بقایای فرهنگ فئودالی و روحیه تسلیم طلبانه در برابر قدرت مسلط و نیز فقدان آگاهی سیاسی و اجتماعی و بی بهره بودن روستا از کمترین امکان فرهنگی و آموزشی، زحمت چندانی برای رژیم در برداشت.

لذا خانه‌های فرهنگ روستائی و سپاه دانش در روستاها به عنوان تنها کانال ارتباط فرهنگی با روستائیان در همین خط عمل می‌کردند.

منصور اتمی رئیس خانه‌های فرهنگ روستائی در مقاله‌ای بنام «خانه‌های فرهنگ روستائی از دیدگاه سیاست رفاهی» در کار برد

این سیاست همان فئودالی که مبدل به سرمایه‌دار گشته است می‌توانست از مهاجران روستائی بعنوان کارگر ارزاقیمت بهره‌برد. و دیدیم علیرغم ادعای رژیم وابسته برای تقسیم اراضی، بعد از اصلاحات هنوز قسمت عمده زمین‌های مرغوب در دست بزرگ مالکان بوده و قشر عظیمی از روستائیان، کارگران و خوش‌نشینان بهره از آن نداشتند، بهر حال در شماره گذشته به مراحل اساسی اصلاحات ارضی اشاره شد و حال به سیاست‌های جانبی و نتایج و دگرگونی‌های آن در روستاها و بخش کشاورزی می‌پردازیم.

در شماره گذشته خواندیم که امپریالیسم با اجرای سیاستی در قالب «زمین از آن کسی است که بر روی آن کار میکند» انگیزه انقلاب و خروش دهقانان را از آنان گرفت، در مقابل به جهت از بین بردن تعارضات روابط تولید فئودالی، سعی بر سرمایه‌دار کردن بزرگ مالکان و فنودالها نمود با این سیاست بود که روند مصرف زدگی با توجه به اضمحلال کشاورزی تشدید می‌گردید و وابستگی شهر به روستا نیز از میان میرفت، با اجرای این سیاست و بوجود آوردن تفاوت‌های فاحش میان شهر و روستا و بی بهانه کردن روستائی برای ماندن در روستا سبب مهاجرت از ده به شهر جریان پیدا کرد و با

قسمت سوم

روستا منطقه مغضوب

پی‌آمدهای اصلاحات ارضی

«سیاست‌های جانبی اصلاحات ارضی»

مقارن با اجرای قانون اصلاحات ارضی و یا اندکی پس از آن، با تأسیس برخی نمادها و یانه اجرا در آمدن تعدادی از طرح‌ها، اقدامات دیگری نیز همسو با اهداف قبلی بکارگرفته شد که ایجاد شرکتهای سهامی زراعی، تأسیس خانه‌های فرهنگ روستائی، اعزام سپاه دانش به روستاها، اسکان عشایر و جلوگیری از جرای دام در مراتع (تحت پوشش ملی کردن اراضی جنگلی و مراتع) ایجاد صندوق توسعه کشاورزی و نهایتاً اجرای طرح مجتمع‌های کشت و صنعت از این جمله‌اند که مختصر توضیحی پیرامون هر یک به لحاظ تأثیر گذاری آنان در مناطق روستائی ایران ضروری می‌نماید.

الف - ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی:

تأسیس این شرکت‌ها از سوی رژیم، در

حقیقت ایجاد واحدهای بزرگ زراعی را دنبال می‌کرد.

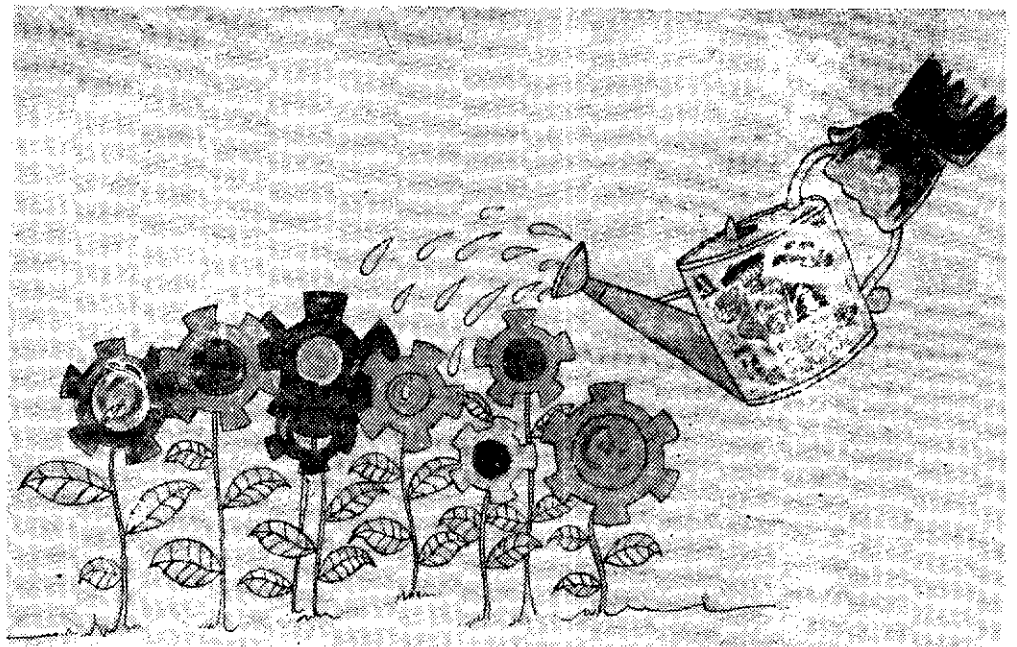
در این نهاد، زارعین یک یا چند روستا، عضو سهامدار شرکت شده و میزان سهام هر عضو برابر ارزش زمینی است که او در اختیار دارد، این شرکت با مشارکت دولت و زارعین صاحب زمین ایجاد گردید که نقش دولت، تأمین سرمایه، بذر، کود، کمباین و تراکتور بوده و عرضه کار و زمین نیز برعهده زارعین است.

دولت وقت در توجیه اهداف ظاهری طرح موارد زیر را عنوان می‌نماید:

جلوگیری از خرد شدن و سیستم اراضی مزروعی به قطعات کوچکتر غیر اقتصادی فراهم نمودن موجبات افزایش در آمد سرانه کشاورزان. آشنا نمودن زارعان با اصول و شیوه‌های پیشرفته کشاورزی.

اجرای این طرح تحت پوشش توجیهات ظاهر فریب فوق‌تایجی چند را در برداشت:

- با توجه به اینکه شرایط عضویت در



چهار سال پس از تصویب لایحه اصلاحات ارضی، اندیشه کشت اراضی بطور وسیع نضج گرفت. دلایلی را که دست اندرکاران وقت در توجیه ایجاد شرکت های کشت و صنعت عنوان می نمودند می توان بدین ترتیب فهرست نمود: (۱)

- ۱- تولید در سطح وسیع بطور مکانیزه جهت کاهش هزینه تولید و در نتیجه قیمت محصولات تمام شده و افزایش سطح زندگی مردم.
- ۲- کمک به تأمین هزینه های احداث سد در و کانال های آبرسانی از طریق پرداخت اجاره زمین به میزان ۱۵۰ تومان برای هر هکتار و آب به مبلغ ۲/۰ ریال برای هر متر مکعب.
- ۳- تأمین نیروی کار بخش صنعتی و خدمات از مازاد رانده شده از بخش کشاورزی.

۴- عدم توانایی کشاورزان محلی در تأمین سرمایه های محلی لازم جهت توسعه و عمران کشاورزی

در پی فراهم شدن مقدمات ایجاد شرکت ها، در سال ۱۳۴۷ قانون تاسیس شرکت های بهره برداری از زیر سد ها تصویب گردید و مقرر شد تا واحدهای بزرگ کشاورزی و شرکتهای کشت و صنعت در اراضی زیر سد ها بخصوص سد در تشکیل شود.

با گذراندن این مصوبه اولین مرحله اجرای قانون در اراضی زیر سد در آغاز گردید که از محل اعتبارات عمرانی دولت، ۶۸ هزار هکتار از زمین های کشاورزان منطقه خریداری شده و با به عبارتی غضب گردیده و پس از آن با راندن کشاورزان از خانه و زمین خود، با ایجاد شهرک ها در مجاورت مجتمع، آنان را به کارگران ارزان قیمت شرکت های کشت و صنعت مبدل نمودند. تا آخر سال ۱۳۵۵ پنج شهرک با ۱۷۰۰ واحد مسکونی با تأمین سود سرشار برای کنترات چی های خارجی ساخته شد که کارگران، در ۴ شهرک اسکان یافته و یک شهرک نیز در اختیار ارتش قرار گرفت، جای توضیح است که قیمت واحدها نیز از کشاورزان سابق گرفته شد.

از این پس بالاترین اعتبارات سرمایه گذاری دولت به جانب واحدهای عظیم کشت و صنعتها شامل بخش خصوصی، دولتی و خارجی سرازیر شد.

ورق بزنید،

ج - اسکان عشایر و ممانعت از چرای دام در مراتع تحت عنوان ملی کردن اراضی جنگلی و مرتع:

اجرای قانون ملی کردن مراتع و جنگلها در نهایت هدفی جز نابودی مراتع و دامداری را دنبال نمی کرد، تا پیش از اجرای این قانون، بخش مهمی از تولیدات لبنی و دامی که مورد مصرف داخلی داشت از طریق دامداری سنتی تأمین می شد و علاوه بر آن فرآورده های دامی همچون روغن حیوانی به خارج نیز صادر می گردید.

با اجرای این قانون مأموران دولتی در دهات و مزارع، دهقانان را از استفاده از مراتع سنتی محروم نموده و موجبات اضمحلال تدریجی دامداری را فراهم آوردند.

کنترل چرا در مراتع و قرق مراتع بیلاقی و قشلاقی، در عمل مراتع را بلا استفاده گذارده و باعث از بین رفتن علوفه دامها گردید.

از طرف دیگر، بخش مهم دیگری از مراتع و جنگل ها که از جمله مرغوبترین آنها به حساب می آید، جهت شکار درباریان و وابستگان رژیم قرق شد، که در کنار آن، بخشی نیز به وابستگان رژیم برای «فعالیت های کشاورزی» واگذار شد که در عمل از این زمینها جهت ویلا سازی استفاده می گردید. این سیاست تخریبی نیز در آینده ای نزدیک اثرات سوء خود را برجای نهاد.

د - مجتمع های کشت و صنعت:

خانه فرهنگ روستائی چنین عنوان می کند: «خانه های فرهنگ، روستائی یکی از با جلوه ترین پدیده های انقلاب ساه و ملت است. هر خانه فرهنگ روستائی، سببی است برای ظهور و نفوذ تجلیات فرهنگ و تمدن امروزی در روستاهای آزاد شده این سرزمین.

تردید نیست که ثبات یک جامعه تنها منوط به حفظ ارزشهای مادی آن نیست. آنچه واقعیت وجودی همین ارزشهای مادی را تثبیت می کند، القای یک زیر بنای فرهنگی منطبق با اصول انقلاب خواهد بود که در روستاها این رسالت ملی را خانه های فرهنگ روستائی بر عهده دارند و نقش خود را حرکتی سازنده به جانب تمدن بزرگ می دانند.»

سپاه دانش نیز به عنوان تنها نهاد آموزشی روستا، نقش تبلیغات چی رژیم را عهده دار است تا با القانات خود، رژیم را به عنوان تنها حامی روستائیان در اذهان پاک و ساده باور تصویر نماید.

نوع آموزش ها، تعیین کتاب های غیر درسی که در باصطلاح کتابخانه های روستائی گنجانده می شوند.

ترویج فرهنگ شاه پرستی در روستا و... همگی در این سمت گام بر می دارند، همچنانکه میزان بیسوادی در روستاها و تفاوت های فاحش میان امکانات تحصیل و آموزشی شهر و روستا، قصد رژیم را از ایجاد این نهاد، در روستاهای کشور، بیان می کنند.

شرکت های کشت و صنعت در حوزه سد دز نیز تدریجا از سال ۱۳۴۸ به بعد با مشارکت امپریالیستها تاسیس و کار خود را آغاز نمودند. شرکت های کشت و صنعت زیر سد دز مشخصه های زیر را دارا بودند:

زیر سد دز بکار گرفته شد. در این شرکت ها، پیش بینی تولید طبق گزارشات مهندسیین مشاور به عمل می آمد که هیچگاه محقق نگردیده و در همه موارد میزان تولید بسیار پائین تر از میزان تخمین زده شده

نام شرکت	سال تاسیس	میزان سرمایه	میزان اراضی اختصاصی
کشت و صنعت ایران و امریکا	۱۳۴۸	۲۷۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۲۰۲۶۳ هکتار
کشت و صنعت ایران - کالیفرنیا	۱۳۴۹	۳۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۰۷۹۶ هکتار
کشت و صنعت ایران شلکات	۱۳۵۰	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۵۷۹۶ هکتار
شرکت بین المللی کشت و صنعت ایران	۱۳۵۱	۶۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۱۶۶۹۰ هکتار
شرکت کشت و صنعت گل	۱۳۵۲	۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال	۴۰۱۰ هکتار

بدین ترتیب بهترین و کیفی ترین زمینها، آب و برق در خدمت و امکانات مالی و فنی هنگفت

در اختیار شرکت های کشت و صنعت قرار گرفت و امکانات همه جانبه برای تولید کشاورزی سرمایه داری در ایران فراهم گردید که در این میان سهام شرکت های بیگانه از نسبت بالائی برخوردار بود. بنحوی که شرکت ایران و کالیفرنیا ۷۰٪ از سهامش به امریکائی ها تعلق داشت که چپاول و خارج کردن سرمایه توسط آنان پی آمدهای طبیعی چنین مشارکتی تلقی می شد که ذکر تنها یک نمونه از عملکرد یک شرکت امریکائی در این میان، نتایج مشارکت را نمایان می سازد.

شرکت امریکائی «ترانس ورلد کالیفرنیا» که در آغاز کار، مبلغ ۲۰۰ هزار دلار سهم شرکت ایران و کالیفرنیا را خریداری کرده بود، با فروش سالیانه ۱۰۰ هزار دلار «مدیریت» پس از ۴ سال دو برابر پول خود را از طریق فروش مدیریتی که منجر به ورشکستگی شرکت شد، برداشت نمود. در کنار این چپاول، بازار گره و جاذبی نیز برای انواع ماشین آلات کشاورزی، سموم آزمایش نشده و نبرهای دیکته شده و از دور خارج شده شرکت های امپریالیستی فراهم آمد. برای نمونه شرکت «جان دیر» که ۱۰۰ هزار دلار سهام یکی از شرکت های کشت و صنعت زیر سد دز را خریداری کرد، همانجا، ۱۰۰ هزار دلار ماشین آلات خود را یکجا به شرکت مزبور فروخت.

لازم بتوضیح است که در کنار عرضه کافی نیروی انسانی در مجتمع ها، مکانیزاسیون و مدرنیزاسیون نیز در بالاترین حد خود در منطقه

بود تا جایی که در آمدهای حاصله شرکت ها توان تامین هزینه های تولید را نیز نداشت، علاوه بر آنکه حظ تولید هیچگاه منطبق با نیازهای داخلی

*** هدف رژیم گذشته از ایجاد شرکت های سهامی زراعی عبارت بود از اینکه قشر عظیم کشاورزان بی زمین و خوش نشین از صحنه حذف گردند و تنها صاحبان عهده زمین، صاحبان سهام نیز باشند و از دیگران بعنوان نیروی کار استفاده نمایند و امکانات را به قشر مرفه روستائی اختصاص دهند.**

بود بطوری که مارچوبه از محصولات عمده این منطقه به حساب می آمد.

در نهایت، تخریب روستاهای منطقه و آواره کردن روستائیان از خانه و زمین خود، تبدیل زارعین به کارگران ارزان قیمت کشاورزی، وارد شدن امپریالیست ها به تولید کشاورزی ایران، از بین رفتن دامداری سنتی منطقه، تولید محصولات بی ثمر، ایجاد بازار مناسب برای ماشین آلات و وسائل شرکت های خارجی، پر کردن جیب شرکای امریکائی شرکت ها از طریق



خروج سرمایه و ورشکستگی شرکت ها از عمده ترین نتایج طرح کشت و صنعت ها به شمار می آیند که این عملکرد نیز در حد خویش اصمحلل کشاورزی را تسریع نمود

نقش بانک ها در حوزه کشاورزی پس از اصلاحات ارضی:

همزمان با اجرای اصلاحات ارضی شده، «بانک اعتبارات کشاورزی و عمران روستائی» در سال ۱۳۴۱ فعالیت خود را با انگیزه «اعطاء وام به کشاورزانی که در فنون اصلاحات ارضی صاحب زمین شده بودند آغاز کرد، این بانک سابقا بانک کشاورزی ایران نام داشت.

در سال ۱۳۴۸ نام بانک به بانک «تعاون کشاورزی» تغییر نمود که سیاست آن «تعمین اعتبارات کشاورزی در قالب تعاونیهای روستائی» اعلام شد.

در فاصله سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۵۰ وامهای پرداختی بانک تعاون کشاورزی به ۲۱۰۰ میلیون تومان در ۳/۳۰۰/۰۰۰ فقره می رسید که در صورت تقسیم مساوی موارد وادها، به هر مقاضی مبلغ ۱۶۳۶ تومان میرسد که بلا تردید ماهیت چنین وامهائی، طبیعتا مصرفی است، چرا که بدلیل مقدار بسیار ناچیز وادها، به جای بکار افتادن در امور کشاورزی و گره کشودن از کار دهقانان، به مصرف خرید اشیاء و وسایلی چون رادیو و ضبط صوت و... می رسید.

این وادها با بهره ۶٪ به روستائیان پرداخت



می شد که از طریق اتحادیه تعاونی روستایی به آنان تحویل می گردید، این نهاد در حقیقت نقش واسطه را ایفا می کرد، بدین ترتیب که وام به اتحادیه ها با بهره ۳ تا ۴٪ تعلق می گرفت که اتحادیه نیز با ۲ تا ۳٪ بهره به روستائیان تحویل داده می شد.

با چنین احوالی سود خالص این بانک در همین فاصله ده ساله «۴۰ تا ۵۰» از ۲۷/۶۸۰/۸۷۳ ریال در سال ۱۳۴۰ به ۲۵۱/۲۳۷/۹۶۹ ریال در سال ۱۳۵۰ رسید که این رقم بیش از ۹ برابر رقم مشابه در ده سال پیش از آن است.

درکنار این بانک، نهاد دیگری بنام «صندوق توسعه کشاورزی ایران» بصورت شرکت سهامی در سال ۱۳۴۷ با سرمایه ۱ میلیارد ریال برای «تشویق سرمایه گذاری های خصوصی در امور کشاورزی و دامپروری ایجاد گردید که در سال ۱۳۵۶ به بانک توسعه کشاورزی تغییر نام داد.

انگیزه تاسیس این بانک نهایتاً خدمت به بخش خصوصی و زمینداران عمده بود، زیرا طرحهایی را که میزان وام مورد نیاز آن کمتر از ۱۰۰ هزار تومان بود، مورد رسیدگی قرار نمی داد و طرحهایی را که بیش از این میزان بود با اخذ درصدی از آن وام می پذیرفت، وام گیرنده نیز می باید مقداری از مبلغ وام را خود پرداخت نماید که بدین ترتیب زارعین خرد پا، عملاً از حوزه کار بانک خارج می شدند. این بانک.

همچنین خود در طرح ها و سرمایه گذاری ها شرکت می کرد، بطوری که تا پایان سال ۱۳۵۷ بانک در ۵۵ شرکت سرمایه گذاری کرده بود که در میان این سرمایه گذاران، شرکاتی همچون: «جیس مانهاتان بانک امریکا»، شرکت «کامل اندکوک»، شرکت «تهیه و تولید بذر امریکا»، بانک صنعتی و معدنی، سرمایه داران دانمارکی و نیز سرمایه داران خصوصی ایران دیده می شوند.

این بانک به اشخاص و بخش خصوصی نیز وام پرداخت می نمود.

باتوجه به حوزه فعالیت بانک و نوع عمل آن، بی ثمری آن در کمترین میزان و درجه برای کشاورزی ایران و رفع مشکلات مالی آن، اثبات می گردد.

لذا سیستم بانکی در حوزه کشاورزی با

* **رژیم وابسته**
شاهنشاهی خانه های فرهنگ
روستائی و سپاه دانش را بعنوان
تنها کانال ارتباط فرهنگی با
روستائیان ایجاد نمود تا از آنان
بعنوان وسیله ای برای ظهور و
نفوذ فرهنگ منحط و غرب زده
خود در اذهان پاک و ساده
روستائیان استفاده نماید.

هدف عملی متقاضیان خرد پا و تنگدست و نیز با توجه به ماهیت عمل و جهت گیری آن، خود همچون بقیه اجزاء «مجموعه مخرب» به نابودی کشاورزی دامن می زند.

«نتایج تحولات و دگرگونی ها در روستاها و بخش کشاورزی ایران»

الف - تقسیم ظاهری زمین:

بالنجام مانورهای تبلیغی در داخل و خارج که بر محور «حل قطعی مسئله زمین در ایران» دور میزد، انجنانکه در زمان حیات رژیم و پس از

آن مشخص گردید، مسئله زمین همچنان از اصلی ترین مسائل کشاورزی مضمحل ایران به شمار می رود که توزیع سراسر نابرابرانه آن حکایت از ابطال تبلیغات رژیم مخلوع می کند علیرغم ادعای رژیم مبنی بر مالک شدن تمام زارعین تا اوال مهرماه ۱۳۵۰، مطابق سرشماری کشاورزی در سال ۱۳۵۴، تنها ۴/۸٪ از کل اراضی کشور در اختیار ۱/۱۲۴/۷۳۲ خانوار یا واحد بهره برداری کوچک قرار داشت که میانگین هر واحد بهره برداری آنان فقط ۰/۷ هکتار بوده، حالا آنکه بیش از ۳/۲۰۰/۰۰۰ هکتار از بهترین اراضی کشور که شامل ۲۵۰۶۵ خانوار یا واحد بهره برداری بود، علاوه بر آنکه بخش دیگری از زمین های قابل کشت و مرغوب و نیز مراتع و جنگل ها برای شکار و جولان درباریان تخصیص یافته بود.

چنانچه تفاوت های کیفی زمین های تحت کنترل اقلیت خاص و اراضی انبوه زارعین نیز در نظر گرفته شوند نابرابری ها با عمق بیشتری جلوه می کند.

اما همچنانکه در قبل توضیح رفت، قصد رژیم از وانمود کردن حل مسئله ارضی در ایران و تقسیم ظاهری زمین، تنها کسب پایگاه داخلی و زدودن ناراضائی ها بود.

«برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی در مقاد اساسی ترین پایگاه انقلاب شاه و مردم موجبات الغاء رژیم ارباب و رعیتی را فراهم کرد و زیربنائی استوار برای تغییر شکل جامعه سنتی و عقب مانده ایران به یک جامعه پیشرفته دست داد.» (۲)

«اصلاحات ارضی و تقسیم زمینهای کشاورزان میان زارعان صاحب نسق مبنای روابط اجتماعی ناهنجاری را که براساس ظلم و استثمار استوار گشته بود درهم ریخت، آزادی دهقانان و توجه به این حقیقت که با تقسیم زمین، مالکدستاورد خود خواهند بود واجد انجنان اثر روانی و اجتماعی بود که کمتر برنامه رفاهی می توانست چنان حالت رضایت توأم با غروری را نصیب جامعه روستائیان بنماید.» (۳)

ورق بزنید.

*** عمده ترین نتایج طرح کشت و صنعت ها را می توان در تخریب روستاهای منطقه و تبدیل زارعین به کارگران ارزان قیمت کشاورزی، وارد شدن امپریالیست ها به تولید کشاورزی ایران، از بین رفتن دامداری سنتی منطقه، تولید محصولات غیر منطبق با نیازهای داخلی (مانند مارچوبه)، ایجاد بازار مناسب برای ماشین آلات شرکت های خارجی و.... دانست.**

ب - زمین، تنها مسئله در کشاورزی ایران نیست:

با اشکار شدن تقسیم ظاهری و ناقص زمین در ایران، واقعیت دیگری نیز رخ می نماید و آن اینکه در صورت تقسیم کامل، عادلانه و برنامه ریزی شده زمین، چنانچه ملزومات دیگر در حوزه کشاورزی همچون تأمین عادلانه آب، امکانات مالی و وام های کشاورزی، ماشین آلات و وسائل، کمک های فنی و مشورتی، حمل و نقل و ارتباطات متناسب و تأمین بازار برای فروش محصولات دهقانان فراهم نگردد و از این جوانب کمبودها و نارسائی ها کماکان ادامه داشته باشد، دلیلی برحل قطعی مسئله کشاورزی نمی تواند قلمداد شود.

همچنانکه در برخی نقاط و در مواردی که با طرح اصلاحات ارضی رژیم، زمین نیز تقسیم شد و بخشی از اراضی به زارعین واگذار گردید (فارغ از ماهیت و چگونگی آن)، با حل نشدن سایر امکانات تکمیلی، باری از دوش کشاورزان بر زمین نهاد، چراکه تسلط اربابان بر آب روستاها، نیاز دهقانان به وام که از کانال اربابان، رباخواران و یا بانک ها با بهره های

سنگین تأمین می شد و دهقانان را مادام العمر مقروض می ساخت، نفوذ سیاسی و نظامی مالکان، عملکرد نهادهائی چون شرکت های سهامی زراعی، حفظ روابط مبتنی بر استثمار و... کمترین زمینه ای برای فعالیت کشاورزی آزاد، بی دغدغه و بری از ظلم و بهره کشی برای دهقانان فراهم نمی نمود.

لذا در کنار مسئله زمین، حل سایر معضلات و تأمین باقی امکانات از ملزومات غیر قابل انکار برای رهائی کشاورزی از رکود و بحران و حرکت بسوی شکوفائی به حساب می آید.

ج - رشد تولید کشاورزی سرمایه داری و توسعه غیر منطقی مکانیزاسیون:

با طرح یکپارچه کردن اراضی در چارچوب ایجاد شرکت های عظیم کشت و صنعت، پای شرکت های چند ملیتی و غارتگر امپریالیستی به تولید کشاورزی ایران نیز باز شد و از اواسط دهه ۴۰ به بعد شیوه تولید سرمایه داری در بخش کشاورزی با تخصیص بهترین امکانات موجود از جمله حاصلخیزترین زمین های زیر سد دز، آب و برق کافی، مدرنترین ماشین آلات، اعتبارات و وام های بی حساب بانکی و کل سیستم اداری رژیم شکل گرفت.

مشارکت شرکت های امریکائی در طرح های کشت و صنعت زیر سد دز و تسلط کامل آنان بر مدیریت مجتمع ها، از عمده ترین نمودهای آغاز این حرکت بود.

شیوه تولید جدید با دقت بر ماهیت آن، خود بخود در حذف اقشار محروم روستائی و زارعین تلاش می کرد همچنانکه این طیف با بصورت کارگر کشاورزی در کشت و صنعتها بکار گرفته شدند و یا بهانه ای برای ماندن در روستا نیافته و دست خالی روانه شهرها شدند.

سیستم اداری نیز در خدمت به سرمایه گذاران جدید در کشاورزی عمل می کرد و بیش از ۹۰٪ اعتبارات کشاورزی کشور و وام های کلان دولتی با بهره کم در اختیار آنان قرار داده میشد.

بانک توسعه کشاورزی ایران طی ۵ سال از فعالیتش در فاصله سالهای ۵۰ تا ۵۵ بیش از ۱۰ میلیارد تومان اعتبار پرداخت نمود که بیش از ۹ میلیارد تومان آن، به کشت و صنعتها، افراد

وابسته بدربار یا زمینداران بزرگ اختصاص یافته بود.

مدرنترین ماشین آلات کشاورزی که از شرکت های خارجی خریداری شده بود نیز در شیوه جدید تولید بکار گرفته شد.

علاوه بر شرکت های امریکائی که با مشارکت در کشت و صنعت ها، بیش از ۷۰ هزار هکتار از بهترین اراضی زیر سد دز را تحت تسلط گرفتند. سرمایه داران داخلی و وابستگان به رژیم نیز در تولید جدید کشاورزی دست به سرمایه گذاری زدند.

هاشم نراقی با در اختیار گرفتن ۲۰ هزار هکتار از اراضی زیر سد دز، مزارع مکانیزه و دامداری مدرن بر پا نمود، شرکت نفتی «داج شل» نیز حدود ۲۰ هزار هکتار دیگر را در حوزه دز در اختیار گرفت، حمیدرضا برادر شاه اراضی کیفی دشت ناز ساری را و محمودرضا دیگر برادر شاه، نیز اراضی پنبه چوله در ساری را بر گزیدند.

حتی ارتش نیز در اراضی وسیعی از زیر سد سفید رود در کشت و دامپروری مدرن سرمایه گذاری کرد. محصولات تولید نوین نیز یا جنبه تجملی داشت همچون مارچوبه و یا از مواد اولیه مورد نیاز صنایع موتناژ داخلی و یا صنایع غربی تشکیل میشدند.

مکانیزاسیون مورد نیاز نیز در حد بالای خود در سرمایه گذاری های جدید بکار گرفته می شد. قبل از آن نیز با توجه به مستثنی بودن زمین های مکانیزه از تقسیم اراضی، بسیاری از مالکان با خرید تراکتور و غیره، اراضی خود را مکانیزه جلوه دادند که نه این روش و نه شیوه مکانیزاسیون در کشت و صنعت ها، فاقد کارائی در کشاورزی رو بزوال ایران بودند و در حقیقت بیدایش مکانیزاسیون با محتوا و روند حرکت کشاورزی ایران نطابق نداشت.

د - تقلیل روز افزون سهم کشاورزی در تولید ملی:

از دیگر نتایج دگرگون های بوجود آمده در مناطق روستائی و نیز بخش کشاورزی، کاهش مستمر سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی است.

نگاهی به جدول زیر روند نزولی مزبور را بیان می دارد: «وزارت کشاورزی - دی ماه

سال	سهم کشاورزی در تولید ناخالص ملی
۴۱	۲۸/۵٪
۴۶	۲۴٪
۵۱	۲۱/۶٪
۵۳	۱۴/۴٪
۵۴	۱۰٪
۵۶	۸/۴٪

در کنار این سیر نزولی، تولید مواد غذایی استراتژیک نیز کاهشی بسیار را نشان می‌دهد. به نحوی که تولید مواد غذایی استراتژیک که در سال ۱۳۴۰ حدود ۷۹٪ تولیدات کشاورزی کشور بود در سال ۵۰ به ۵۹٪ تقلیل می‌یابد. خود رژیم نیز ناگزیر به اعتراف در مورد کاهش نقش کشاورزی در تولید ملی می‌گردد. «در برنامه سوم عمرانی بخش کشاورزی به عنوان مهمترین بخش عمرانی تلقی گردیده و هدف تولیدی آن بطور متوسط ۴٪ رشد سالانه پیش بینی شده بود اما در عمل متوسط رشد این بخش طی سالهای ۴۱ تا ۴۴ از ۱/۸٪ تجاوز نمود.» (۴)

د. تقلیل سهم کشاورزی در ایجاد اشتغال؛ عدم کشش در جذب نیروی کار نیز از دیگر بی‌آمدهای ضربات وارده بر کشاورزی ایران به حساب می‌آید. جمعیت شاغل در بخش کشاورزی که در سال ۱۳۳۵، ۵۶٪ شاغلین کشور را تشکیل میداد، در سال ۱۳۴۶، ۴۹٪ شاغلین را شامل می‌گردد که این نسبت در سال ۱۳۵۵ به ۲۴٪ کاهش می‌یابد در حالیکه در همین مدت میزان شاغلین در بخش خدمات و ساختمان افزایش سرسام‌آوری داشته است.

ز - تبدیل جامعه تولیدی روستائی به جامعه مصرفی؛

روند طی شده جامعه خود کفای روستائی ایران را به جامعه‌ای مصرفی تبدیل نمود.

تأسیس ۶۶۳۳ فروشگاه مواد مصرفی از سال ۴۱ به بعد، گویای چنین تغییری است.

در سال ۱۳۵۶ حجم مبادلات کالاهای مصرفی توسط فروشگاههای تعاونی مصرف، رقمی حدود ۹ میلیارد ریال بوده است.

رژیم نیز بر این روند صحنه می‌گذارد:

«یکی از نتایج سریع اصلاحات ارضی تحولی است که در روستاها در جهت بالا رفتن میزان مصرف تولیدات صنعتی و متنوع شدن تقاضاهای مصرفی فراهم آمده است.» (۵)

س - افزایش واردات کشاورزی:

با حذف تولیدات داخلی، واردات اقلام کشاورزی شتاب خاصی بخود می‌گیرد، بگونه‌ای که در سال ۱۳۵۵ واردات کشاورزی به میزان ۹۳ میلیارد ریال و در سال ۱۳۵۶ بیش از ۱۲۰ میلیارد ریال می‌رسد.

در طرح توضیحی برنامه پنجم عمرانی کشور از انتشارات سازمان برنامه و بودجه در این خصوص چنین آمده است:

«چنانچه برنامه ریزی توسعه کشاورزی عملی نگردد، واردات کشاورزی نه تنها فشار شدیدی بر منابع ارزی وارد خواهد آورد بلکه موجب کاهش آهنگ رشد صنعتی کشور نیز خواهد شد.»

در مقابل صادرات کشاورزی ایران نیز رو به کاهش می‌گذارد تا جاییکه به چند قلم محدود می‌گردد، که پنبه و خشکبار از عمده ترین آنان محسوب می‌گردند.

واردات محصولات کشاورزی طی سال های ۵۱ تا ۵۶ بیش از ۶ برابر گردید.

ش - اضمحلال دآمداری و تولیدات دامی؛ با آنکه ایران روزگاری از صادر کنندگان مواد لبنی و تولیدات دامی به حساب می‌آمد، پس از طی روند یادشده به وارد کننده صرف این اقلام تبدیل یافت که علل آن قبلاً توضیح داده شد.

ص - رواج بیکاری پنهان:

با نابودی کشاورزی، روستائیان مهاجر به شهرها به حرفی کاذب چون اشتغال در بخش ساختمان، خدمات و دستفروشی و دوره گردی روی آوردند که این پدیده به دامن زدن به بیکاری های پنهان یاری می نمود.

ض - رشد سریع پدیده مهاجرت و حاشیه نشینی:

*** با برنامه ریزیهای که برای تخریب کشاورزی شده بود، سیستم بانکی در حوزه کشاورزی نیز با حذف عملی متقاضیان خرده پا و تنگدست و نیز با توجه به ماهیت عمل و جهت گیری آن، خود همچون بقیه اجزاء «مجموعه مخرب» به نابودی کشاورزی دامن می‌زد.**

با افزایش دافعه‌های روستائی و جاذبه‌های شهری و بی‌بهبودی روستائیان برای ماندن در روستا دو پدیده، هماهنگ با یکدیگر رشد نمودند که در تغییر چهره جمعیتی ایران اثری عمیق داشت.

در باره پدیده مهاجرت و حاشیه نشینی در فصل خاص خود، مفصلاً توضیح داده خواهد شد.

ف - احاله قدرت اداری از ارباب به

رژیم:

پس از فرم دهه ۴۰ با ایجاد نهادانی چون خانه‌های انصاف، شرکت های تعاونی، بانک های وام دهنده و... این تفویض قدرت انجام گرفت با دقت بر آنکه مالکان همچنان از نفوذ سیاسی واداری نیز برخوردار بودند.

در حقیقت با این تفویض، نهادهای رژیم به عنوان مراجع روستائیان تعیین شدند.

ه - رشد ذهنیت روستائیان و شناختن

ماهیت رژیم:

برخورد روستائیان پس از فرم دهه ۴۰ با نهادهای رژیم، سیستم اداری، بوروکراسی، فساد حاکم بر سیستم، رشوه بازی و... به رشد ذهنیت ها و پی بردن آنان به ماهیت رژیم کمک بسیار کرد.

همچنانکه پیوند دولت با ثروتمندان، حمایت ژاندارمری ها از مالکان و نفوذ سیاسی و اداری

بقیه در صفحه ۶۱

وسائل و امکانات مورد نیاز اولیه

- ۱ - شش دستگاه بولدوزر.
- ۲ - پنج دستگاه گریدر.
- ۳ - بیست دستگاه لندکروزر.
- ۴ - سی دستگاه کمپرسی.
- ۵ - سه دستگاه غلطک.
- ۶ - سه دستگاه بیل مکانیکی.
- ۷ - دو دستگاه جرثقیل.
- ۸ - چهار دستگاه تریلی کمرشکن.
- ۹ - سیمان و آهن آلات و....

«والسلام»

روستا منطقه مغضوب . . .

اربابان نیز در این امر مؤثر بود بهره‌های سنگینی وام‌ها و دائم المقروض بودن روستائیان به رژیم و ارباب، ظلم رژیم را در نزد روستائیان محروم بیشتر انکار می‌ساخت.

از دیگر سو، دهقانان با مشاهده ماهیت و جهت گیری اصلاحات ارضی شاهانه به ماهیت عوامفریبان رژیم که اصلاحات ارضی را با شعار «زمین از آن کسی است که بروی آن کار می‌کند» شروع نمود و در عمل چیزی نصیب محرومان روستائی نساخت، پی بردند که تمامی زمینه‌های نامبرده بر عمیق تر شدن تضاد روستائیان با رژیم تأثیر بسیار می‌گذارد.

ادامه دارد.

پاورقی:

- ۱ - جزوه - مختصری بر شرکت‌های چند ملیتی کنت و تجارت - وزارت کشاورزی ۵۹ - ۱۳۵۸.
- ۲ - مقاله اثرات رفاهی اصلاحات ارضی - سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۲.
- ۳ - کلیات سیاست رفاهی در جامعه روستائی - محمدرضا عاملی تهرانی مشاور وزیر وقت تعاون و امور روستاها ۱۳۵۲.
- ۴ - برنامه چهارم عمرانی کشور - فصل مرفقیته‌ها و مشکلات برنامه سوم عمرانی - از انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۵ - برنامه و بودجه - ۱۳۵۲.

بشاگرد . . .

اهالی قرار می‌گیرد.

حرکت اول

۱ - احداث راه آسفالت، سندرک تا انگهران و از آنجا تا حوزه ابر.

۲ - احداث راههای فرعی آسفالت به آبادیهای بزرگی چون گرهون، ملکن، شهر بابک، اهون، ایرر، تیدر، سیت، بشنو و دیگر آبادیها از این قبیل.

۳ - احداث جاده آسفالت از حوزه شرقی جاسک به سردشت و یا جکدان بشاگرد.

۴ - احداث جاده آسفالت از دشت آزادگان به دون و از آنجا به جاده آسفالت سیریک (کرد).

۵ - احداث یک جاده آسفالت از یک نقطه بشاگرد به مارز (آبادی مرزی بشاگرد و کهنوج).

۶ - اقدام برای احداث سد خاکی بر روی رودخانه جگین که این امر مهم می‌تواند محرومیت را از قسمتهای جنوبی بشاگرد و مهمتر از حوزه شرقی جاسک براند.

۷ - تاسیس مدارس (فرهنگی، صنعتی و حوزه) در مجتمعهای کاشت و کوچ.

۸ - تاسیس درمانگاه در مجتمعهای مورد نظر و روستاهای ابقا شوند، مثل سندرک، جکدان، سردشت، ملکن، درابسر، گرهون.

۹ - تاسیس کارخانه‌های بخشازی در مجتمعهای آبادیها بزرگ.

۱۰ - ایجاد کارگاههای بافندگی.

از کجا شروع کنیم؟

برای ورود به بشاگرد، اصلا نیازی به مهندسین مشاور و دیگران از قبیل... نیست. با تصویر طرح (بصورت امانی) جهاد سازندگی با همکاری ادارات استان، مخصوصا سازمان آب و برق و اداره کشاورزی و صنایع و معادن و آموزش و پرورش، می‌توانند با تجهیز امکانات و کارگاههای مناسب، کار مطالعه و اجرای طرح را به انجام برسانند. انقلاب اسلامی و مخصوصا تجربیات جبهه به ما آموخته است که اگر بخواهیم می‌توانیم.

برف گیر زیاد باشد، بر اثر گرم شدن ناگهانی هوا و دوب سریع برفها، آبهای ناشی از ذوب برف، با جریان سریع در مزارع گندم جاری شده و اغلب حوانه‌های بوپای گندم را که در خاک خوب پا گرفته‌اند با خود کنده و کیلومترها دورتر از محل کاشت در بستر رودخانه‌ها باقی می‌گذارند و اصولا در چنین سالهائی روستائیان محصولی برداشت نمی‌کنند، در این مورد بزرگ می‌توان با احداث مسیلهائی جریان آب را از مزارع گندم دور نمود، یا حداقل به شعبات کوچکتر تقسیم کرد و از فرسایش بوته‌های گندم نوپا جلوگیری به عمل آورد.

ج - (۲): پرت آب در زمینهای آبی گندم: به سبب عدم رعایت اصول آبیاری صحیح و نداشتن کانالهای منظم با شیب مناسب فرسایش خاک و هرز روی آب شدید بوده و در بعضی نقاط مقدار و زمان آبیاری نیز بموقع و به اندازه لازم بوده است. که این خود باعث افزایش هزینه و نرسیدن آب کافی به زمین و صدمات محصول می‌گردد.

ج - (۳): عدم مبارزه کافی و بموقع با آفات و بیماریها بخصوص آفت سن گندم:

تا کنون روش مبارزه با سن گندم با استفاده از سموم شیمیایی و سم پاشی از طریق هواپیما مؤثرتر بوده است، و روستائیان ما نیز توانائی مبارزه با این بیماری را که فعلا در ایران شدت دارد، ندارند. و اینکار تنها از عهده سازمانهای حفظ نباتات و غیره ساخته است که این سازمانها بدلیل نداشتن امکانات کافی از جمله هواپیما بمقدار کافی و پرچم دار ورزیده و فقدان سموم مؤثر توانائی مبارزه لازم و جدی با این بیماری را ندارند. لیکن به هر حال برای جلوگیری از صدمات و لطمات شدیدی که بوسیله این بیماری خطرناک به محصول گندم وارد می‌آید باید طرحی اساسی برای مبارزه با آن ریخته شود.

ادامه دارد